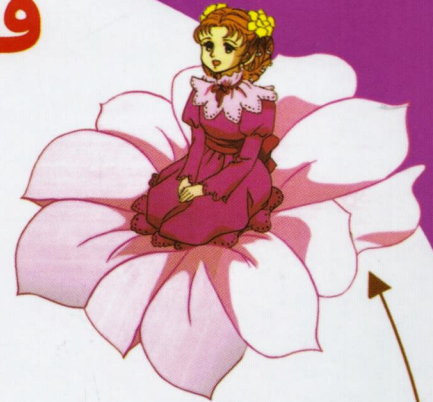


قصه‌های شیرین جهان



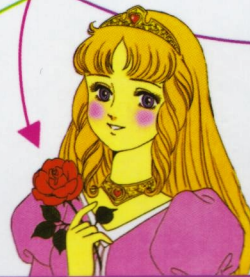
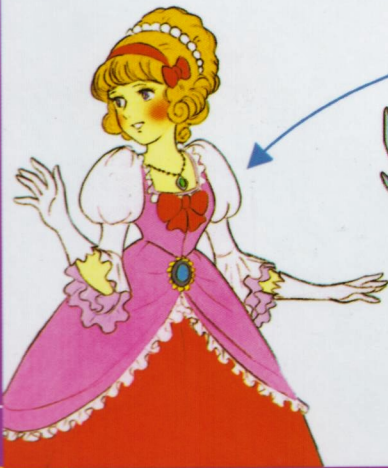
موش شهری، موش روستایی
مسابقه‌ی خرگوش و لاک پشت
بندانگشتی

سیندرلا
ای کیوسان

عروسی قو
زیبای خفته

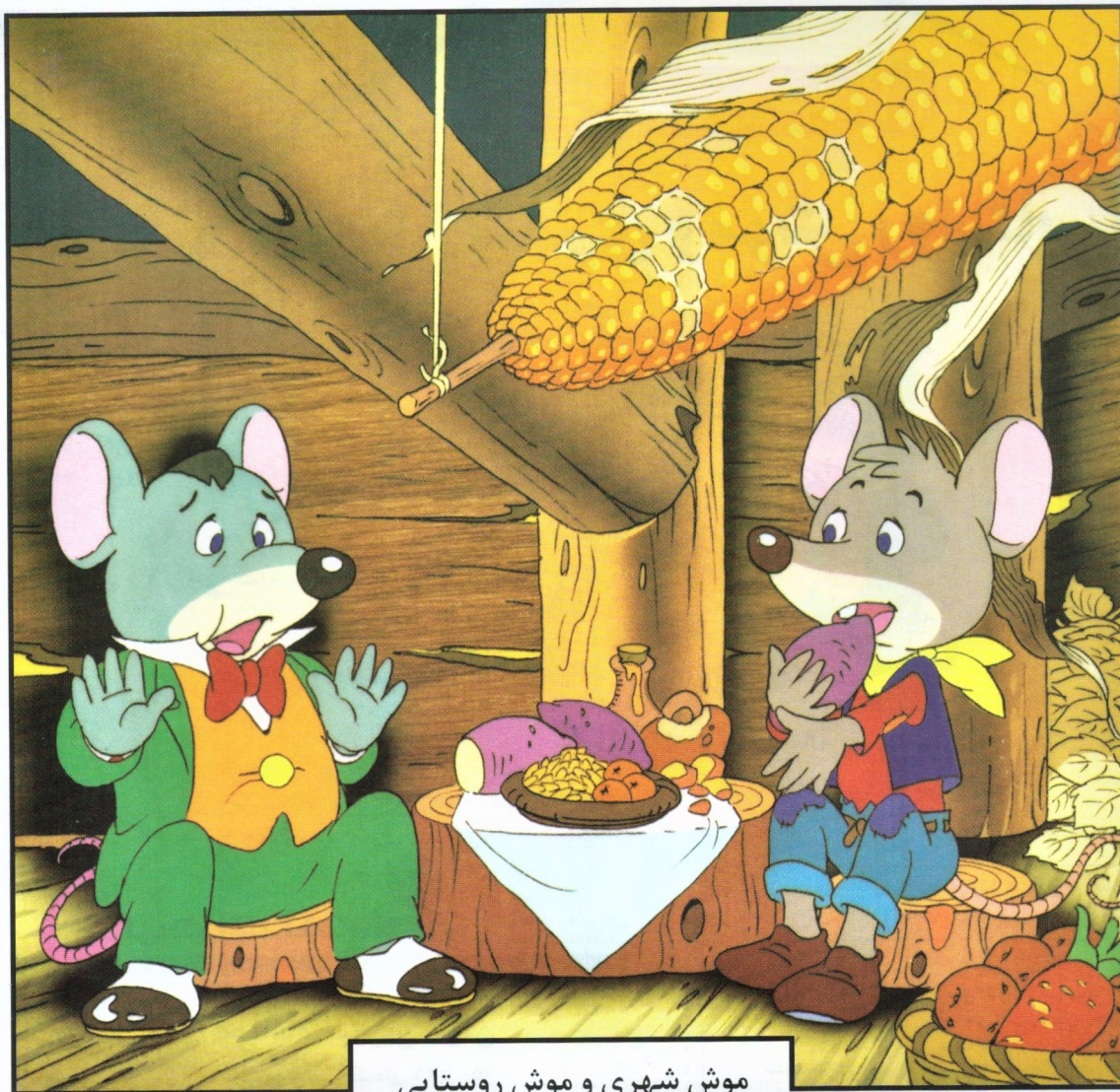
کین تارو
کلاغ و پرنده‌ها

عروسی خانم موشه



معرفی‌شده

در کتابخانه‌ها
آموزش و پرورش



موش شهری و موش روستایی

روزی، روزگاری دو موش با هم دوست بودند. یکی از آنها در شهر و دیگری در روستا زندگی می‌کرد. روزی از روزها، موش روستایی، دوست شهری‌اش را دعوت کرد. موش شهری به روستا رفت و موش روستایی دوستش را به خانه‌ی کوچکش برد. برایش ذرت، سیب‌زمینی، گندم و خوراکی‌هایی که در روستا پیدا می‌شد، آورد. اما موش شهری گفت: «می‌بخشی دوست عزیز! من نمی‌توانم این غذاها را بخورم، اگر این چیزها را بخورم، دلم درد می‌گیرد.»